

یادداشت سیاسی : به سمت تعیین تکلیف نهایی

رژیم " جمهوری اسلامی " بر طرح خاورمیانه بزرگ خون می‌پاشد . دستان دراز و خونچکان نظام الهی در سراسر خاورمیانه به چشم می‌خورد . نبرد بر سر موجودیت استبداد مذهبی به سمت تعیین تکلیف نهایی شتاب بیشتری می‌گیرد .

یک اصطلاح معروف لاتینی می‌گوید : وقتی که خداوند می‌خواهد کسی را نابود کند ابتدا عقلش را می‌گیرد . ولی بی‌عقلیهای حیرت‌انگیز سردمداران رژیم تازیانه و دار هیچ ربطی به هیچ خداوندی ندارد ! تماما حسابهای سرد و بیروح مبتنی بر حفظ و حراست از نظامی است که بر خلاف خیل عظیمی از مخالفین دانشمند و تحلیلگر خود که با یک غوره فلان مذاکره رژیم با آمریکا سردیشان شده و با یک کشمش بهمان تظاهرات در داخل دوباره گرمیشان ، هیچ تردیدی ، تکرار می‌کنم هیچ تردیدی در قاطعیت تصمیم ایالات متحده و " جناح‌بازها " مبنی بر تصمیم تعویض رژیم سیاسی ایران ، نداشته و ندارد . حتی اگر یکروز در میان سخنگویان وزارت خارجه از یکطرف و کاخ سفید از طرف دیگر به تورات و انجیل قسم یاد کنند که تنها تغییر رفتار جمهوری اسلامی را مد نظر دارند و دیگر هیچ !

بارها گفته‌ام که برای رژیم " جمهوری اسلامی " هیچ بسته تشویقی و هیچ قول و قراری که در زیر سقف یک " تضمین امنیتی " باشد ، از اساس پذیرفتنی نیست ! درست مثل این می‌ماند که بلاسبب امام راحل ، گاوی که قرار است تا مثلاً ششماه ! دیگر (فقط مثال عددی زدم قصد دیگری ندارم !) سرش بریده شده و به معرض فروش گذاشته شود را ، از آخور بیرون آورده و با وعده و وعیدهای فراوان و قباله کردن چند عدد ویلای شیک و اتوموبیل‌های ذیقیمت و مستقرات بسیار و در قصری اسکان داد که در همسایگی امثال جک استرا و مادلین البرایت و بقول امام راحل که همین هفته گذشته هم از قضا سالگرد رحلت ملکوتیش بود ، چه و چه و کذا و کذا !! هم قرار دارد !

با این حساب کشتانیدن بحران و درگیریهای نظامی نشئت گرفته از آن توسط رژیم به خارج از مرزها از فلسطین و لبنان گرفته تا عراق و افغانستان و تا بحرین و یمن و در نهایت اردن و عربستان نه تنها چیز عجیب و غریبی نباید باشد که نشان‌دهنده یک روند کاملاً طبیعی در جارچوب همان درگیری اساسی نهایی است که به زنجیره ای از تغییرات ژئوپلیتیکی بی‌سابقه در منطقه راه خواهد برد .

به این ترتیب تا آنجایی که به مصالح بلافصل خود نظام مقدس ! مربوط می‌شود ، رژیم راه درستی ! را برگزیده است . پاشنه آشیل ایالات متحده و رژیم راسیستی اسرائیل در منطقه برهم خوردن " ثبات سیاسی " است . چیزی که به ناامن شدن کل منطقه راه می‌برد . این ناامنی ، بویژه در مرزهای اسرائیل ، تا آنجایی که به مصالح استراتژیک رژیم ناسیونال صهیونیستی بر می‌گردد ، آخرین انتخابی می‌تواند باشد که به مخیله استراتژیست‌های " جناح‌بازها " می‌تواند راه برده باشد .

اینها همه در کنار سوءاستفاده و قیحانه قاتلان هزار هزار از انقلابیون سوسیالیست در ایران از چهره‌های شناخته شده و قابل احترام سوسیالیست آمریکای لاتین و بسیج جنبش ضد جنگ در اروپا و آمریکا بسود هارترین گرایش‌های جنگ طلبانه در درون حاکمیت " جمهوری اسلامی " ، اگر چه منافع کوتاه مدت بسیاری را برای رژیم مذکور در پی خواهد داشت و برایش فضای تنفسی بیشتری ایجاد خواهد کرد ، همانگونه که تا کنون کرده است ، با اینحال در نهایت قدرتهای صاحب حق و تو در شورای امنیت را همراه با کل اروپا به سمت " اجماع " سوق خواهد داد .

اگر بر هم خوردن " ثبات سیاسی " در منطقه خاورمیانه ، بدرستی کابوس ایالات متحده آمریکا می‌باشد ، رسیدن قدرتهای جهانی به " اجماع " علیه موجودیت سیاسی رژیم " جمهوری اسلامی " ، اگر نه بیشتر که به همان میزان کابوس علاج‌ناپذیر این رژیم ضد انسانی و ضد تاریخی بوده و هست و خواهد بود .